

نیکی آر. کدی

ریشه‌های انقلاب ایران

ترجمه

دکتر عبدالرحیم گواهی



نشر

فهرست

۱	مقدمه چاپ دوم
۵	مقدمه مترجم
۱۱	مقدمه مؤلف
۱۵	فصل اول - دین و جامعه ایران تا آغاز قرن نوزدهم
۱۵	تاریخچه
۱۹	اسلام و جامعه
۵۶	فصل دوم - شالوده‌های ایران قرن نوزدهم
۸۱	فصل سوم - استمرار و تغییر در عهد قاجاریه (۱۸۹۰-۱۷۹۴)
۱۱۹	فصل چهارم - اعتراض و قیام (۱۹۴۱-۱۸۹۰)
۱۴۶	فصل پنجم - جنگ و رضا شاه (۴۱-۱۹۱۴)
۱۴۶	سالهای ۲۱-۱۹۱۴ (۱۳۰۰-۱۲۹۳)
۱۵۷	سالهای ۲۵-۱۹۲۱ (۴-۱۳۰۰)
۱۶۷	سالهای ۴۱-۱۹۲۵ (۲۰-۱۳۰۴)
۲۰۱	فصل ششم - جنگ جهانی دوم و مصدق (۵۳-۱۹۴۱)
۲۰۱	جنگ جهانی دوم: سالهای ۴۵-۱۹۴۱ (۲۴-۱۳۲۰)
۲۱۰	مسائل اجتماعی - اقتصادی بعد از جنگ
۲۳۱	بحران نفت و مصدق
۲۵۱	فصل هفتم - دیکتاتوری سلطنتی (۷۷-۱۹۵۳)
۲۵۱	مشخصه کلی این دوره
۲۵۶	سالهای ۶۰-۱۹۵۴ (۳۹-۱۳۳۳)
۲۶۵	سالهای ۶۳-۱۹۶۰ (۴۲-۱۳۳۹)
۲۷۸	رفورم، شکوفایی، انفجار - سالهای ۷۷-۱۹۶۳ (۵۶-۱۳۴۲)

- ۳۱۷ فصل هشتم - تفکر سیاسی جدید ایران
- ۳۱۷ گرایشهای روشنفکری و ادبی تا سال ۱۹۶۰ (۱۳۳۹)
- ۳۴۸ تفکر معاصر شیعی (نویسنده یان ریشارد)
- ۳۴۹ هویت ایرانی در مقابل غربگرایی
- ۳۵۲ علما در فعالیتهای سیاسی
- ۳۶۴ متفکرین سیاسی - مذهبی شیعه در بیرون از سلک روحانیت
- ۳۸۶ نتیجه‌گیری
- ۳۹۵ فصل نهم - انقلاب
- ۳۹۵ نیروهای مخالف چریکی و غیر مذهبی
- ۴۰۸ «مخالفین مذهبی» و انقلاب
- ۴۳۷ بررسی مختصری از انقلاب؛ «انقلاب در مصدر قدرت»
- ۴۵۹ نتیجه‌گیری

فصل اول

دین و جامعه ایرانی تا آغاز قرن نوزدهم

تاریخچه

انقلاب سالهای ۷۹-۱۹۷۸ (۱۳۵۷) و پیامدهای آن، نخستین بار در خلال ۲۵ سال گذشته، توجه وسیع همگانی را همراه با مقدار زیادی سرگردانی و ابهام نسبت به ایران جلب کرد. این انقلاب حتی با الگوها و انتظارات کسانی که از اوضاع ایران بخوبی مطلع بودند نیز سازگار نبود. در کجای جهان قبلاً دیده شده بود که رهبر یک مذهب جا افتاده، سردمدار پرشور و پرآوازه یک انقلاب علیه یک حکومت سلطنتی شود - حاکمی که مدعی حقانیت خود و پیوندش با گذشته ملی سرزمینش و حقانیت برنامه‌های اصلاحی خویش بود. در کجا قبلاً کسی دیده بود که حکومتی مجهز به میلیاردها دلار تسلیحات نظامی، نیروهای مسلح، پلیس مخفی و آشکار که قاعداً همه آنها نیز آماده استفاده بود، این چنین در مواجهه با شورشهای متناوب، تظاهرات همگانی و وسیع و اعتصابات از پای درآید؟ اساتیدی که به تحقیق در رشته مطالعات خاورمیانه اشتغال دارند این روزها با این سؤال که: آیا انقلاب ایران یک انقلاب مذهبی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و یا چیز دیگری بود، زیاد برخورد می‌کنند. به نظر می‌رسد تنها پاسخ خوبی که می‌توان به این پرسش داد این است که انقلاب ایران مجموعه‌ای از همه اینها بود. در مطالعه حاضر خواهیم دید که نارضایتیهای اقتصادی،

اجتماعی، و سیاسی در طول دهها سال پای گرفته و در سالهای آخر به هم پیوسته و سپس با پیوند اسلامی اصیل توده‌های عظیم مردم، همراه با تفاسیر جدیدی از دین که ایده‌های انقلابی را توجیه می‌کرد، آمیخته‌شد و سپس در سطح وسیعی در جامعه گسترش یافت.

در تاریخ ایران عوامل بلند مدت چندی در شکل‌گیری اوضاع سیاسی و اجتماعی تا به امروز نقش داشته‌اند. در میان این عوامل یکی خصوصیات جغرافیایی این سرزمین است که، مانند سایر سرزمینهای دیگر خاورمیانه، مناسب با توسعه کشاورزی ابتدایی است (به خلاف اروپا که کار کشاورزی مستلزم آماده‌سازی زمینهای جنگلی انبوه و نیز شخم‌زدنهای سنگین بود). از طرف دیگر، باز مانند سایر سرزمینهای خاورمیانه، آبیاری زمینها شوری، آب‌بردگی و تخریب تدریجی آنها را موجب شده و بدین ترتیب، در طول قرون متمادی، بر مشکلات کشاورزی و همچنین بی‌حاصلی زمینها می‌افزود که این امر، به نوبه خود، موجب تشویق مردم به قبول نوعی زندگی شبانی و ایلی در چنین شرایطی بود. همچنین نوسانات اقتصادی، که بعضی از آنها نیز معلول شرایط جغرافیایی بود، شورشهایی را موجب می‌شد. علاوه بر این، در سالهای اخیر، تقلید نامناسب از روشهای کشاورزی غربی زوال بیشتر محیط طبیعی را به دنبال داشت. قرنهاست که موقعیت جغرافیایی ایران برای تجارت و استراتژی بین‌المللی اهمیت دارد. در مرزهای شمالی ایران اتحاد جماهیر شوروی، در مرز غربی ترکیه و عراق، در جنوب خلیج فارس و در مشرق آن پاکستان و افغانستان قرار دارند. مساحت این کشور در حدود ۶۲۸،۰۰۰ مایل مربع (بیشتر از ۱،۵۰۰،۰۰۰ کیلومتر مربع) می‌باشد که قسمت اعظم آن اکنون به صورت کویر است، این مساحتی است که از هریک از کشورهای اروپایی بیشتر است. دو کویر بزرگ ایران در سمت شرقی به نامهای دشت لوت و دشت کویر می‌باشند. قسمت اعظم خاک ایران به صورت دشت مرتفعی است که پوشیده از کوه می‌باشد. دو سلسله جبال مهم این سرزمین به نام البرز در شمال و زاگرس در امتداد شمال غربی تا جنوب شرقی قرار دارند. در فصول

مختلف آب و هوای بسیار متغیری در نقاط مختلف ایران مشاهده می‌شود و روی هم رفته ایران کشوری است که غالب نقاط آن، به استثنای مناطقی که در مجاورت دریای خزر در شمال ایران قرار دارد و بارندگی در آنجا نسبتاً زیاد است، خشک است. به عنوان مثال، میزان بارندگی در استان گیلان در زمره یکی از بالاترین حدود در سطح جهان است. بدین سبب در این نقاط جمعیت‌های روستایی بیشتر و فشرده‌تر می‌باشند و لذا میزان شورش‌های دهقانی نیز در این مناطق، در مقایسه با نقاطی که جمعیت‌های روستایی کم و پراکنده دارند، زیادتر است.

از زمانهای بسیار دور اقوام مختلفی در ایران زندگی می‌کرده‌اند. واژه «ایران» از ریشه «آریایی» است. این نام به وسیله گروهی از افراد نژاد هند و اروپایی که در ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح به سمت جنوب شرقی مهاجرت کردند به کار برده شد. از اینها گروهی در ایران اقامت گزیده و بقیه نیز به سمت هند پیشروی کردند. (واژه پارس یا Persia نام یونانی ایران است که از روی نام ایالت فارس در جنوب غربی ایران گرفته شده است. در سالهای دهه ۱۹۳۰ میلادی رضاشاه نام کشور را تغییر نداد و بلکه از خارجی‌ها خواست که از نام بومی آن استفاده کنند.) قبل از طلوع اسلام، ایران صاحب فرهنگ و تاریخ مهمی بوده است. در آن ایام دو سلسله بزرگ هخامنشیان، در سالهای ۳۳۰-۵۵۹ قبل از میلاد، و ساسانیان در سالهای ۶۵۱-۲۲۴ میلادی، در ایران حکومت می‌کردند. سلسله دوم تا زمانی که اعراب مسلمان در سالهای ۶۳۷ تا ۶۵۱ میلادی ایران را فتح کردند، ادامه داشت. در کتاب حاضر هرکجا «ایران» می‌گوییم منظور سرزمینی است که در محدوده مرزهای جغرافیایی امروز ایران است. پس از پیروزی اعراب تنها مغولها و صفویه (بین سالهای ۱۷۲۲-۱۵۰۱ میلادی)، و سپس فرمانروایانی که از سال ۱۷۹۶ میلادی به بعد بر این کشور حکومت کردند توانستند آن را به صورت یک پادشاهی واحد یکپارچه سازند.

ایران قبل از اسلام از لحاظ تأسیس ادیان، کشور پرپاری بود، به گونه‌ای که بعضی از اعتقادات مذاهب مزبور، به همراه محتوای اجتماعیشان، در دوران بعد از اسلام نیز